

# ایران

**امام حسین<sup>(ع)</sup>**:

کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد، دیرتر به آرزویش می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد گرفتار می‌شود.

سخن‌روز

بحاراالتوا، ج ۷۸، ص ۱۲۰

**نگاره**



**فضای مجازی**

**شرم‌آور است**

افتتاحیه المپیک پاریس شرایطی را با اجراهای مختلف خود رقم زد که در نهایت موجی از انتقادهای منفی به آن وارد شد. بسیاری اجرای گروه متال فرانسوی به نام «Gojira» را شیطانی خواندند و از طرفی نحوه حضور همجنس‌گرایان در این رویداد برای بسیاری ناخوشایند بود. حضور یک کودک در کنار اجراکننده‌های ترنس صحنه بازسازی تابلوی «شام آخر» حضرت عیسی <sup>(ع)</sup> که علاوه بر توهین به مسیحیان، بسیاری اتهام کودک‌آزاری را نیز به این اجرا وارد می‌دادند و با گذشت چند روز از مراسم افتتاحیه، هنوز بحث و گفت‌وگوی کاربران در شبکه‌های اجتماعی راجع به این موضوع داغ است. کاربری علاوه بر انتقادات مطرح شده به بی توجهی به فجایع انسانی در غزه اشاره کرده و نوشته: «یادی از غزه و مردمانش در آن نبود. شرم‌آور است. همه آنچه در مورد هولوکاست می‌گویند، از جمله در فرانسه مدعی و پر سر صدا، یاد هواست. هم‌اکنون یک هولوکاست در جریان است و همه می‌خواهند نادیده‌اش بگیرند.»

**اثر جدید احسان خواجه‌امیری در راه است**

احسان خواجه‌امیری با انتشار ویدیویی در صفحه اینستاگرامش با یادی از مرحوم افسین بداللهی، ترانه‌سرای شناخته‌شده کشورمان از کار جدیدش خبر داده و در شرح این پست نوشته است: «این اولین ترانه‌ای بود که دکتر بداللهی به من سپرد تا برایش ملودی بسازم، این روزها خیلی دلتنگشم. این مدت خیلی روی مجموعه‌ای که قرار هست بزودی منتشر کنم وقت گذاشتم، امیدوارم شما دوست داشته باشید، شما رفقای قدیمی خیلی باارزش هستید برام، باید تمام تلاشمو بکنم.»

**تلویزیون شهر فرنگ نیست**

اسماعیل امینی با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش گلایه‌ای از مجریان ورزشی المپیک داشته و در این باره نوشته: «زمان نوجوانی من این شهرفرنگی‌ها سرگرمی ما بودند. عکس‌های رنگی را از دریچه نگاه می‌کردیم و شهرفرنگی دوره‌گرد، چیزهایی بسر هم می‌کرد و می‌گفت. مثلاً درباره عکس بازیگر تومند خارجی می‌گفت: این اسفندیار روئین تن است. درباره عکس زن مدل لباس می‌گفت: این زلیخای مصری است که پیراهن یوسف را پاره کرد. حالا حکایت پخش المپیک از تلویزیون است. تصاویری تکه‌تکه و بی‌ربط پخش می‌شود و مجریان پرچانه، حرف‌های بی‌ربط می‌گویند، در حالی که مشغول بازی با گوشی‌های خود هستند.

**برخیز که شور محشر آمد....**

سعید مستغاثی در صفحه اینستاگرامش به سریال مختازنامه اشاره کرده و در این باره نوشته: نمی‌دانم برای چندمین بار است که سریال «#مختازنامه» را می‌بینم، از سال ۱۳۸۹ که برای اولین بار پخش شد و حتی روی DVD، همه قسمت‌هایش را ضبط کردم تا فیلم‌های سینمایی‌اش تن تکرارهای متعدد وتا....

اما این بار با انتشارکتاب «پروده مختازنامه» که تقریباً می‌توان گفت وقایع نگاری این سریال توسط رضا استادی (از رفقای قدیمی و مدیر روابط عمومی سریال)، به شمار می‌آید، تماشای آن را چندین برابر دلچسب کرده است. سریال «مختازنامه» علاوه بر همه نقاط قوت ساختاری و محتوایی و دقیق و ظریفش در فیلمنامه و کارگردانی هوشمندانه و کاراکتراها و بازی‌های جذاب و صحنه آرایی‌ها و چهره پردازی‌های حرفه‌ای و حتی طراحی نوآورانه و مبدعانه صحنه‌های جنگی و البته موسیقی و دو‌آوای به یادماندنی اش و...

برای شخص بنده، حکم یک روضه سینمایی را دارد: اغلب صحنه هایش، روضه‌های #عاشورا و دشت #نینوا را زنده می‌کند؛ نه فقط صحنه‌هایی که بازسازی آن وقایع است، مثل نمای بازگشت #ذوالجناح بی‌سوار و خونین به خیمه‌ها و مویه و گریه اهل حرم برآو بلکه حتی روایت‌های مبهم تمار وقتی از عشق به علی <sup>(ع)</sup> و راستگویی‌اش می‌گوید یا وقتی بن عفیف بن چشم نابینا، حسرت نبودنش در کربلا و مصایب آن را ضجه می‌زند و....

حالا حکایت‌های #رضا استادی از چگونگی شکل‌گیری و پشت صحنه و وقایع فرامتن این سریال ماندگار، پس از ۱۴ سال و بارها تماشا کردن و حتی حفظ شدن برخی دیالوگ‌ها و صحنه‌ها اما چشم‌انداز دیگری را بازکرده، نگاه عمیق‌تری می‌بخشد و در یک کلام حداقل برای امتثال ما خوره‌های سینما، آن همه تلاش و سختی‌ها و به واقع مجاهدت‌های داوود میرباقری و همکارانش را اعجاب‌آورتر می‌نماید. که با چه دشواری‌هایی کار را آماده تولید کردند و با چه مرارت‌ها، آن را ساختند و با چه مصیبت‌هایی به پخش و نمایش رساندند که ذره ذره و فریم به فریم آنها گویی با خون دل‌ها ساخته شده است. ان شاءالله خدا قوت بدهد به داوود میرباقری و دوستانش که چند سال است در گرمای طاقت فرسا و سرمای استخوان‌سوز مناطق مختلف ایران، در حال ساخت مجموعه «#مسلمان فارسی» با دشواری‌های چندین برابر «مختازنامه» هستند، و دلخوش می‌شویم که چنین هنرمندانی در گوشه عزلت نیستند و از سوی دیگر در انتظار تماشای اثری دیدنی‌تر از «مختازنامه» می‌مانیم.

• **صاحب امتیاز:**

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** احسان صالحی

• **سر‌دبیر:**

حسام‌الدین برومند

**نقل قول**

**بچه‌های امروز با بچه‌های دیروز فرق می‌کنند**

مایلم درسکوهای (پلتفرم‌ها) نمایش خانگی برای بچه‌ها برنامه بسازم اما هنوز اقدامی نکرده‌ام. نمی‌توانند ما را از بچه‌ها جدا کنند، با این حال سعی می‌کنیم با افراد جدیدتری نسبت به تیم قبلی کار کنیم. اغلب هنرمندان سعی می‌کنند کار جدید خود را با افراد جدید پیش ببرند، هرچند هیچ‌گاه نباید گذشته خود را فراموش کنیم. من مدیون اساتیدم هستم که ابتدا به من درس زندگی دادند و بعد درس هنر.

باید بگویم بچه‌های امروز به برنامه‌ها و سرگرمی‌های مناسب با سن خود نیاز دارند و با بچه‌های دیروز فرق می‌کنند. نه تنها هنرمندان بلکه پدر و مادر و آموزش‌وپرورش هم باید به آنها کمک کند. امیدوارم نسل امروز بتوانند به آرزوی خود برسند و حتماً پادشان نرود که علاوه بر اینکه بچه خوبی برای خانواده هستند، پشت سر خود را فراموش نکنند و کسانی را که به آنها نکته‌ای آموخته‌اند، به خاطر داشته باشند.

بخشی از صحبت‌های منتشر شده مجید قناد مجری سابق برنامه‌های کودک در ایرنا

**تجسم**

**زیبایی‌هنری**

«زیبایی» امر پیچیده و حتی متناقضی است. فلاسفه زیادی تلاش کرده‌اند به نحو مطلوبی آن را تعریف کنند. با وجود اهمیت این موضوع در سده اخیر، تلاش نظام‌مند برای درک و معرفی زیبایی قدیمی چندین صدساله دارد. کلمه زیبایی بلافاصله ما را به یاد «هنر» می‌اندازد و به همین میزان تعریف «هنر» را هم به امری پیچیده تبدیل می‌کند.

خصوصاً که اغلب نظریه‌پردازان تعریف هنر را منوط به تعریف و جنسیت زیبایی می‌دانند. به همین قیاس می‌توان زیبایی را مرتبط با احساس «لذت» دانست و با تعریفی از معنای لذت همچنان در پیچیدگی مفهوم زیبایی باقی ماند. به نظر می‌رسد استفاده از معنای متضاد مثل «زشتی» هم چندان کارساز نمی‌نماید.

از طرفی تجربه‌های اخیر نشان داده است زیبایی مفهوم ثابتی ندارد و ممکن است تحت تأثیر عواملی مثل تبلیغات و مد یا حتی عوامل محیطی و اقلیمی و فرهنگی و... قرار بگیرد. مثل تأثیری که امضا و تأیید یک هنرمند صاحب‌نام در جلب حس زیبایی برای مخاطب عام دارد. اما در مقابل، عده‌ای ثبات و «ماندگاری» را اصلی غیرقابل اغماض برای شرایط زیبایی می‌دانند.

زیبایی در ساده‌ترین تعابیر مربوط به کیفیاتی مثل نظم و تناسب و تقارن و تعادل می‌شود؛ به عنوان مثال هارمونی و نظم اصوات، مشخصه‌ای برای امر زیبایی در یک قطعه موسیقی محسوب می‌شود. نظم موجود در گلبرگ‌های گل می‌تواند احساسی از زیبایی را برای بیننده تولید کند. تکرار، عادت، آشنایی و شباهت به طبیعت را گاهی عامل احساس زیبایی گفته‌اند.

از همین روال‌هام از طبیعت در موضوع خلق آثار هنری، همیشه معیاری مورد توجه در بین هنرمندان و منتقدان هنری بوده و هست. عده‌ای هم از منظر علمی و منطقی به موضوع زیبایی پرداخته‌اند. از نظر یک پزشک و عصب‌شناس «وقتی به چیزی نگاه می‌کنیم و آن را زیبا می‌بایم، ناحیه‌ای در جلوی مغز به نام قشر اوربیتوفرونتال داخلی فعال می‌شود که با احساس لذت و پاداش مرتبط است. گویی که دیدن چیزی زیبا مانند محرک‌های لذت عمل می‌کند.» گاهی فلاسفه زیبایی را معادل کمال و بی‌نقصی مطلق دانسته و آنچه به این کمال آرمانی نزدیک‌تر

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

• **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

• **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰

• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲)

• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



مهدی اخوان ثالث

تو را ای کهن بوم و پر دوست دارم
تو را ای کهن پیر جاوید برنا

تو را دوست دارم، اگر دوست دارم
تو را ای گرانمایه، درینه ایران

تو را ای گرامی گهر دوست دارم

تو را ای کهن زادبوم بزرگان
بزرگ‌افزین نامور دوست دارم

هنروار اندیشه‌ات رخشد و من

هم اندیشه‌ات، هم هنر دوست دارم

**یادداشت**

**رسانا و رسواگر**

در جایی از جنوب کره زمین، مردمانی زندگی می‌کنند که در گذشته، برای قضاوت شیوه‌های جالبی داشتند. مثلاً اگر شخصی شکایتی از شخص دیگر داشت، هر دو را به وسط رودخانه یا ساحل دریا می‌بردند و هر یک بیشتر زیر آب می‌ماند، حق را به او می‌دادند. به همین راحتی و بدون در نظر گرفتن ادله و مشهودات، درباره آدم‌ها قضاوت می‌شد. اما امروز، آن بدویست به مدد تلاش‌های بی‌وقفه انسان‌ها تا حدود زیادی از بین رفته و همچنین به کمک فناوری‌های مختلف، دایره ارتباطات و آگاهی بسیار گسترده و عمیق شده است. از این رو دیگر نمی‌شود به راحتی دروغ گفت یا حتی را ناثق کرد. دیگر نمی‌شود قومی را در ناآگاهی فرو برد و از او بهره‌کشی کرد یا به ملتی ظلم کرد و همچنان چهره مظلوم به خود گرفت. به واقع، دوره پزن در رو، گذشته و اکنون دوره باسخگویی انسان به خود، به دیگران و به تاریخ است.

اکنون، کسب و کارهایی پایدار و ماندگار خواهد بود که درآن، عدالت و همدلی و همراهی، اساس و پایه باشد. فناوری، کمک کرده است تا تبدیل یک ایده به محصول، آسان‌تر از گذشته باشد و سرعت رسیدن به نتیجه هم، سریع‌تر. با اصلاً همان ابتدای کار می‌شود نتیجه گرفت که این ایده، راه به جایی نمی‌برد و آن دیگری احتمال موفقیتش، بالاست. فناوری در واقع، کمک کرده است که فاصله بهره‌کش و بهره‌دهنده بسیار کمتر شود و چهره‌های‌شان نمایان. گرچه کسب و کارهایی هستند که در دنیا، همچنان می‌تازند و استثمار می‌کنند، اما فرصت اعتراض و حق خواهی نیز برای سمت دیگر ماجرا فراهم نشده است و می‌تواند در حد توشش، بزند زیر میز. درچین شرایطی، نقش فرهنگ آققدرها پررنگ است که می‌توان از آن، به‌عنوان قدرتی نامتناهی و بلامناسخ، یاد کرد. هیچ چیز یارای سیطره و چیرگی برآن را ندارد و هر آنچه که در برابرش بایستد، محکوم به شکست و کرش است. فرهنگ، توانسته است ابزاری قدرتمند در اختیار انسان قرار دهد که ما آن را رسانه می‌نامیم. این دستگاه بی‌بدیل، می‌تواند حکم دادگاهی را داشته باشد که درآن، بدویت و سطحی‌نگری را از میان بردارد و حق را و حقیقت را، دستمایه دآوری قرار دهد و آن که از اخلاق و اعتبارمومی، به دوراست را به چهارچوب درستی و عدالت بکشدان و درآن، تنبیه‌اش کند. کسب و کارهایی هستند که تحت پوشش کارآفرینی، درجامعه ظهور می‌کنند و با سرعت نسبتاً زیادی، رشد می‌یابند و صاحب تشکیلات و دم و دستگاه می‌شوند. از دور، برق و درخشان و رشک‌انگیز به نظر می‌رسند اما وقتی به آنها نزدیک می‌شویم، رخوت و محنت را از خشت به خشت آن، می‌بینیم و می‌شنویم. اینان به سبب گذشته، بهره‌کشی می‌کنند و ابزارشان، فناوری‌هایی است که زشتی‌های‌شان را بزرگ می‌کند و نمی‌گذارد، کراهت نابرابری خواهانه‌شان، نمایان شود. اما همان فناوری، به کمک فرهنگ می‌آید و تبدیل به می‌شود به رسانه‌ها و رسوای‌شان می‌کند. به سرعت هرچه تمام‌تر. آنگاه بر همگان معلوم می‌شود که کارآفرین، اوبی نیست که به دنبال بیشتر کردن طبقات ساختمان دفتر مرکزی‌اش است و افزایش تعداد کارکنانش بلکه، کارآفرین کسی است که با استفاده از خلاقیت، تلاش می‌کند که نیازی و مشکلی را در جامعه مرتفع کند و اول از همه، از کار همراهان و همکارانش کره گسائی کند. از این رو، باید بگوییم که در عرصه کارآفرینی و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، ما نیاز جدی و فوری داریم که رسانه را بیش از گذشته، وارد فعالیت‌های استراتژیایی و کارآفرینی کنیم. این واقعیت که گذشته‌های دور تا به امروز، وجود داشته است که هرچا، رسانه نباشد، آنجا تاریک است و مستعد رشد وپروفس‌های انسانیت‌کش و ضدعدالت.



اکنون، کسب و کارهایی پایدار و ماندگار خواهد بود که درآن، عدالت و همدلی و همراهی، اساس و پایه باشد. فناوری، کمک کرده است تا تبدیل یک ایده به محصول، آسان‌تر از گذشته باشد و سرعت رسیدن به نتیجه هم، سریع‌تر



بادگیرهای بزد یکی از شاهکارهای مهندسی ایرانی است که بدون مصرف هیچ نوع انرژی‌ای، نقش مهمی در تهویه فضای داخلی خانه‌ها داشته است.

بزد به عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران به یادگیرهای خود شهرت دارد. بادگیر در گذشته به عنوان راهکاری برای تحمل شرایط طاقت فرسای آب و هوای گرم و خشک در چنین منطقه‌ای اختراع شد.

• **عکس:**

ابوالفضل محمدی

ایسا